

بررسی رابطه باورهای مذهبی با راهبردهای مقابله با تنیدگی

در دانشجویان

راضیه نصیرزاده^۱ - کاظم رسول زاده طباطبایی^۲

چکیده

زمینه و هدف: ادراک مفهوم خداوند یک نمونه از چندین شیوه متعددی است که برای شناسایی باورهای مذهبی در افراد به کار گرفته شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه باورهای مذهبی با راهبردهای مقابله با تنیدگی در دانشجویان دانشگاه شیراز اجرا گردید.

روش تحقیق: در این مطالعه ۲۵۱ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه‌های مفهوم خداوند و سبک‌های مقابله مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌ها ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام به کار گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان داد که بین سبک مقابله مسأله مدار با ادراک مفهوم نیک خواهی خداوند، لایتناهی بودن او و نیز ادراک ارزشمند بودن خداوند رابطه مثبت و با تصور خداوندی نامربوط، تنبیه گر و دور و غیر قابل دسترس رابطه منفی وجود دارد. ادراک خداوند به عنوان نیک‌خواه به تنهایی توانایی ۱۲ درصد پیش‌بینی راهبردهای مقابله مسأله مدار را دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نقش قابل توجه دین در سلامت، اهمیت دادن به آن در حیطه‌های آموزش و درمان می‌تواند کمک زیادی به بهبود سلامت روانی جامعه نماید.

کلید واژه‌ها: باورهای مذهبی؛ مفهوم خداوند؛ راهبردهای مقابله؛ تنیدگی

افق دانش؛ فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد (دوره ۱۵؛ شماره ۲؛ تابستان سال ۱۳۸۸)

دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۲ اصلاح نهایی: ۱۳۸۸/۵/۲۱ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲

۱- نویسنده مسؤؤل؛ کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان

آدرس: ارسنجان- دانشگاه آزاد اسلامی- بخش روان‌شناسی

تلفن: ۰۷۲۹-۷۶۲۳۹۰۸ شماره: ۰۷۲۹-۷۶۲۳۴۸۳ پست الکترونیکی: Raznasirzadeh@gmail.com

۲- استادیار، دکتری تخصصی روانشناسی، گروه آموزشی روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

گرچه نقش تنیدگی^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش و شکل‌گیری بیماری‌ها و نیز مرگ و میر افراد همواره مطرح بوده است اما مسئله مهم در ارتباط با تنیدگی نحوه پاسخ یا واکنش به آن است که می‌تواند در سازگاری فرد نقش بسزایی ایفا نماید. این موضوع معمولاً تحت عنوان راهبردهای مقابله^۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقابله با تنیدگی به عنوان یک فرآیند، مشخص‌کننده خواسته‌ها و الزامات درونی و بیرونی، فرآیندی فعال و هدفمند برای پاسخ‌گویی به محرکی تهدیدکننده یا مستلزم استفاده از منابع ادراک شده، مفهوم پردازشی گردیده است (۱). از این رو توانایی مقابله فرد با عوامل تنیدگی‌زا را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

الف) منابع مقابله شخصی: مجموعه پیچیده‌ای از شخصیت و عوامل نگرشی، شناختی که بخشی از زمینه روان‌شناختی مقابله شامل اعتماد به نفس، خوش بینی، حس یکپارچگی، راهبردهای پردازش اطلاعات، شیوه‌های دفاع و مقابله و توانایی‌های حل مسئله را فراهم می‌آورند (۲).

ب) فرآیندهای مقابله: راهبردهای اختصاصی‌تری هستند که افراد در برابر اوضاع تنیدگی‌زای زندگی به کار می‌برند و تلاش‌های شناختی و رفتاری افراد را در تفسیر و غلبه بر مشکلات شامل می‌شوند. بنابراین تلاش‌های مقابله دو کنش اصلی اداره یا اصلاح رابطه فرد و محیط که منبع تنیدگی می‌باشد (مقابله مسئله مدار) و تنظیم هیجانات تنیدگی‌زا (مقابله هیجان مدار)، را ارائه می‌دهند لذا به طور کلی راهبردهای مقابله مسئله مدار، شامل راهبردهای رویارویی فعال، برنامه‌ریزی، خودداری از انجام فعالیت‌های رقابتی، خودداری از اعمال عجولانه و جستجوی حمایت ابزار؛ راهبرد های مقابله هیجان مدار مثبت، راهبردهای جستجوی حمایت اجتماعی مبتنی بر هیجان، تفسیر مجدد مثبت، پذیرش، شوخی و مذهب و راهبردهای مقابله هیجان مدار منفی، انکار، عدم درگیری ذهنی با مسئله، عدم درگیری رفتاری در جهت مسئله، تمرکز بر هیجان و تخلیه آن یا

استفاده از داروها و الکل را شامل می‌شود (۳) اما در تحلیل عاملی که توسط ملازاده در ایران صورت گرفت مشخص گردید که مذهب در گروه راهبردهای مسئله مدار قرار می‌گیرد (۴).

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد مذهب می‌تواند به عنوان یک منبع مقابله با تنیدگی‌های زندگی مورد توجه قرار گیرد پارگامنت معتقد بود که افراد در خلاء و بدون منابع با رویدادهای پراسترس زندگی روبرو نمی‌شوند بلکه آنان به سیستم باورها و اعمالی (همچون نماز و دعا) تکیه می‌کنند که عواطف ناشی از موقعیت‌های دشوار را کاهش می‌دهد. ضمن آن که فرد می‌تواند آنچه در حال وقوع است را به خواست خداوند که عمداً می‌خواهد او را مورد امتحان قرار داده تا به او مطلبی را بیاموزد نسبت دهد و یا موفقیت‌ها و شکست‌های روزمره را به عنوان پاداش یا تنبیه الهی در نظر بگیرد (۵). اسپیلکا و همکاران معتقدند این شیوه مقابله از یک سو می‌تواند سودمند واقع شود و در واقع راه میانبری باشد که از طریق آن افراد می‌توانند راهبرد جدیدی را برای حل مسائل خویش به کار گیرند اما از سوی دیگر چنانچه فردی از رویارویی فعالانه با مشکلات، مخاطرات و حالات نامساعد اجتناب ورزد و صرفاً به انتظار آن بماند که خداوند وضعیت دشوار او را بهبود بخشد با نوعی بدکارکردی مذهب روبرو خواهیم بود (۶).

رابطه بین مذهب و روان‌شناسی سازگاری در پژوهش‌های مختلف یافته‌های متناقضی در پی داشته است برخی پژوهش‌ها این رابطه را به گونه‌ای منفی ارزیابی نموده‌اند (۷). آلبرت الیس از ۱۱ شیوه مذهبی که از طریق آن مشکلات روانی ایجاد و یا تشدید می‌شوند نام می‌برد (۸). گرچه وی بعدها موضع خویش را مورد بازبینی و اصلاح قرار داد. استیفوس- هانسن همبستگی قوی و مثبتی میان خشکی مذهبی با رفتار نوروپیک گزارش می‌کند (۶). از سوی دیگر ارتباط پایبندی به مذهب با سلامت بدنی و روانی (۹-۱۱)، تأثیر مثبت باورها و آیین‌های مذهبی بر رضایت از زندگی، بهزیستی روان‌شناختی و سبک زندگی (۱۲، ۱۳) و نیز نقش مهم و مثبت باورهای دینی محکم‌تر در ارتقاء بهداشت روانی و پایداری عاطفی افراد (۱۴)، کاهش

1- Stress
2- Coping strategies

حیث عملی نیز با تشخیص این ارتباط می‌توان به ارتقاء سطح مذهبی و باورهای مذهبی افراد کمک شایانی نمود و نیز با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی جامعه ایران و تناقض‌های موجود در زمینه نقش و اهمیت به‌کارگیری مذهب در مواجهه با مشکلات و ناملایمات، با رویداشت به مبانی نظری و پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه، هدف پژوهش حاضر بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی راهبردهای مقابله با تنیدگی به وسیله باورهای مذهبی در دانش‌جویان بود و درصدد آزمون فرضیه‌های زیر است:

- ۱- بین مؤلفه‌های مفهوم خداوند و راهبردهای مقابله با تنیدگی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- ۲- مؤلفه‌های مفهوم خداوند نیک‌خواه، ارزشمند و لایتنه‌ای توانایی پیش‌بینی راهبردهای مسأله‌مدار و هیجان‌مدار مثبت در دانشجویان را دارد.
- ۳- مؤلفه‌های مفهوم خداوند نامربوط، تنبیه‌گر و غیر قابل دسترس توانایی پیش‌بینی راهبردهای هیجان‌مدار منفی در دانشجویان را دارد.
- ۴- بین دختران و پسران دانشجو از نظر مؤلفه‌های مفهوم خداوند تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

جامعه آماری در پژوهش حاضر عبارت است از کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز که در نیمسال دوم ۸۵-۸۴ به تحصیل اشتغال داشتند. با توجه به ماهیت پژوهش که از نوع همبستگی است و با توجه به جدول مورگان و فرمول تعیین حجم نمونه مطالعات همبستگی (۳۰) نمونه‌ای مشتمل بر ۲۵۱ نفر (۱۹۴ دختر و ۵۷ پسر) که در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال قرار داشتند، انتخاب شد. شیوه نمونه‌گیری به صورت زیر بود ابتدا از بین دانشجویان ۱۴ دانشکده دانشگاه شیراز که رقمی بالغ بر ۱۴۰۰۰ نفر را در بر می‌گرفت، یک دانشکده (دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی) به تصادف انتخاب گردید این دانشکده تقریباً دارای ۱۰۰۰ دانشجو در ۶ بخش بود. در نمونه‌گیری هر یک از بخش‌ها به عنوان یک طبقه منظور گردید و درصد تعداد دانشجوی هر بخش در نمونه و جامعه برابر بود.

استرس‌های روان‌شناختی (۱۵) و پیشگیری از رفتارهای پرخطر مثل سوء مصرف مواد و الکل (۱۶,۱۷) از جمله یافته‌هایی هستند که رابطه‌ای مثبت میان مذهب و سازگاری روان‌شناختی گزارش نموده‌اند (۱۲,۱۳,۱۸,۱۹) در همین خصوص، پارگمنت با بررسی ۱۳۰ پژوهش‌گزارش می‌کند که ۳۴ درصد پژوهش‌های مرور شده توسط وی به رابطه مثبت بین مقابله مذهبی و سازگاری و سلامت روان اشاره داشته‌اند در حالی که ۴ درصد این رابطه را منفی ارزیابی نموده بودند و ۶۲ درصد مطالعات هیچ‌گونه رابطه‌ای بین این متغیرها گزارش نکرده بودند (۵). به هر حال به نظر می‌رسد ابهام و تناقض موجود در یافته‌های مربوط به مذهب و سازگاری می‌تواند ناشی از اندازه‌گیری ابعاد مختلف دینداری باشد (۲۰). در این میان انگیزه‌ها و باورهای مذهبی افراد به عنوان دو عامل متمایز که می‌توانند فهم ما را از ارتباط میان دینداری و رفتارهای افراد افزایش دهند، در نظر گرفته می‌شود (۲۱) و در این ارتباط، ادراک مفهوم خداوند نمونه‌ای از چندین شیوه متعددی است که برای شناسایی باورهای مذهبی در افراد هم برای اهداف و مقاصد تجربی و هم بالینی، مکرراً مورد استفاده واقع شده است (۲۲-۲۴).

از طرف دیگر پژوهش‌هایی نیز به بررسی تأثیر جنسیت بر گرایش‌های مذهبی افراد پرداخته‌اند که نتایج بسیاری از آنان نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های جنسیتی در گرایش به مذهب و مذهبی بودن می‌باشد. بسیاری از پژوهش‌های مذکور معتقدند که زنان بیش از مردان به مذهب گرایش دارند (۲۵,۲۶). علاوه بر این به نظر می‌رسد بین انگیزه‌های مذهبی بودن دختران و پسران نیز تفاوت وجود دارد. حسین چاری و نصیرزاده گزارش کردند که دختران با انگیزه رسیدن به آرامش روانی و ترس از عذاب الهی بیش از پسران نماز می‌خواندند درحالی‌که پسران بیشتر به خاطر ادای تکلیف شرعی و عادت نماز می‌خواندند (۲۷).

با توجه به آن‌که بررسی مفهوم خداوند و باورهای مذهبی در دانشجویان و انواع برداشت‌های آنان از خداوند و ارتباط آن با شیوه‌های مقابله موضوعی است که در گستره نظری می‌تواند به چگونگی ارتباط مذهب و تأثیرگذاری آن در نوع مقابله جوانان با عوامل تنیدگی‌زا کمک نماید و از

خداوند هدایت‌گر و خداوند معتبر در عامل خداوند نیک خواه ادغام گردید. اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش باز آزمایی و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که مقدار آلفا برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۱ بود و در مورد مقیاس‌های فرعی از ۰/۵۴ تا ۰/۸۸ در نوسان بود. همچنین اعتبار بازآزمایی ۰/۷۵ پس از دو هفته به دست آمد و پرسشنامه با استفاده از مقیاس لیکرت نمره‌گذاری شد (۲۸).

ارزیابی راهبردهای مقابله با تنیدگی نیز، با استفاده از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای کارور (۱۹۸۹) که شامل ۶۰ سؤال بود و در یک مقیاس ۴ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود، صورت گرفت. روایی و اعتبار این پرسشنامه توسط ملازاده با ۴۲۲ نفر در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۴ سال که بیش از نیمی از آنان تحصیلات دیپلم به بالا داشته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. ملازاده اعتبار بازآزمایی را ۰/۷۹، آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۰ گزارش نموده است.

همچنین برای احراز روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی برای تصریح و تأیید سه عامل مشخص شده توسط ولراث استفاده گردیده که پس از انجام تحلیل عامل بر روی گویه‌های پرسشنامه مشخص گردید که مذهب در گروه راهبردهای مسأله مدار قرار می‌گیرد (۴). لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر در جامعه دانشجویی الفای کرونباخ ۰/۷۹ برای کل پرسشنامه به دست آمد.

برای بررسی فرضیه‌های پژوهشی علاوه بر روش‌های توصیفی از آزمون Z و t برای معنی دار بودن R پیرسون، همچنین تحلیل واریانس (F) برای معنی دار بودن معادله رگرسیون استفاده شده است. علاوه بر این از مدل t مستقل برای مقایسه نتایج دختران و پسران در ابعاد مختلف مفهوم خدا استفاده گردیده است. لازم به ذکر است که از صحت برقراری فرض‌های زیر بنایی مورد نیاز آزمون‌های پارامتری آماری اطمینان حاصل شده است.

به منظور ارزیابی باورهای مذهبی افراد پرسشنامه ۲۶ سؤالی مفهوم خداوند (گورسوچ، ۱۹۹۸) مورد استفاده قرار گرفت که توسط خود پروفسور ریچارد گورسوچ به نویسنده ارسال شده است. در این پرسشنامه مجموعه صفاتی به آزمودنی‌ها ارائه و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا بر مبنای یک مقیاس ۵ درجه‌ای معلوم کنند هر صفت تا چه اندازه به مفهومی که آن‌ها از خداوند در ذهن دارند نزدیک است. این پرسشنامه نخستین بار در سال ۱۹۶۸ توسط گورسوچ ارائه گردید. گورسوچ همبستگی بالاتر از ۰/۷ را بین بسیاری از عامل‌های این پرسشنامه گزارش نمود که این همبستگی برای برخی از عامل‌ها به بالاتر از ۰/۹ نیز می‌رسید. در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی روایی پرسشنامه، شیوه آماری تحلیل عاملی از نوع اکتشافی و به روش مؤلفه‌های اصلی^۱ مورد استفاده قرار گرفت. مقدار عددی شاخص KMO^2 برابر با ۰/۹۰ و نیز مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کرویت بارلت^۳ برابر ۲۸۲۱/۹۱۰ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود و حکایت از کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی داشت. بر اساس تحلیل عاملی انجام شده توأم با چرخش واریماکس^۴ بر روی گویه‌های پرسشنامه و با ملاک قراردادن مقادیر ویژه^۵ و شیب نمودار اسکری^۶ شش مقیاس فرعی استخراج شد که عبارتند از: خداوند نیک‌خواه^۷، خداوند نامربوط^۸، خداوند لایتناهی^۹، خداوند تنبیه‌گر^{۱۰} (غضبناک)، خداوند دست‌نیافتنی^{۱۱} و خداوند ارزشمند^{۱۲}.

لازم به ذکر است که در مطالعه گورسوچ ۸ عامل استخراج گردید که با توجه به شرایط فرهنگی دو عامل

- 1- Principal Components analysis
- 2- Kaiser- Meyer- Olkin Measure of Sampling Adequacy
- 3- Bartlett's Test of Sphericity
- 4- Varimax rotation
- 5- Eigen Values
- 6- Scree plot
- 7- Benvolent
- 8- Irrelevant
- 9- Omni- ness
- 10- Wrathful
- 11- Diesticness
- 12- Valuable

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی: ۱۹۴ آزمودنی (۷۹/۵ درصد) دختر و ۵۰ نفر (۲۰/۵ درصد) پسر بودند. حداقل سن آزمودنی‌ها ۱۸ سال و حداکثر آن ۳۵ سال با میانگین ۲۱ و انحراف معیار ۲ سال می‌باشد. ۲۸ درصد آزمودنی‌ها در رشته روان شناسی بالینی، ۱۸/۷ درصد در رشته تربیت بدنی، ۱۶/۳ درصد در رشته

پیش دبستانی، ۱۴/۶ درصد در روان شناسی استثنایی و ۱۲/۲ درصد مدیریت و ۱۰/۶ درصد در رشته کتابداری مشغول به تحصیل می‌باشند.

ب- یافته‌ها در ارتباط با فرضیه های پژوهشی

برای آزمون فرضیه اول پژوهش همبستگی بین ابعاد شش‌گانه مفهوم خداوند با روش‌های مقابله محاسبه گردید که نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

مفهوم خدا	خدای نیک خواه	خدای نامربوط	خدای لایتناهی	خداوند تنبیه‌گر	خدای دست نیافتنی	خداوند ارزشمند	مقابله مسأله مدار	مقابله هیجان مدار مثبت	مقابله هیجان مدار منفی
خدای نیک خواه									
خدای نامربوط	**-.۰/۵۹								
خدای لایتناهی	**-.۰/۷۵	**-.۰/۵۸							
خداوند تنبیه‌گر	-.۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۱۸						
خدای دست نیافتنی	**-.۰/۲۱	**-.۰/۲۱	*.۰/۱۳	**-.۰/۲۵					
خداوند ارزشمند	**-.۰/۴۱	**-.۰/۴۱	*.۰/۵۴	-.۰/۰۲	**-.۰/۱۶				
مقابله مسأله مدار	**-.۰/۳۷	**-.۰/۲۳	**-.۰/۲۴	**-.۰/۱۸	**-.۰/۲۱	**-.۰/۲۸			
مقابله هیجان مدار مثبت	**-.۰/۲۰	-.۰/۰۵	۰/۱۱	-.۰/۰۸	۰/۰۲	*.۰/۱۴	**-.۰/۳۶		
مقابله هیجان مدار منفی	-.۰/۰۸	**-.۰/۲۱	**-.۰/۱۸	۰/۱۱	-.۰/۰۶	-.۰/۱۰	**-.۰/۲۷		

** p < 0/01

* p < 0/05

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد:

- بین راهبرد مقابله هیجان مدار مثبت با ادراک نیک خواهی و ارزشمند بودن خداوند در آزمودنی‌ها رابطه مثبت معنی دار وجود داشت. با توجه به نتایج فوق می‌توان فرضیه اول پژوهش را تأیید نمود.
- برای آزمون فرضیه دوم پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام توانایی پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای مسأله‌مدار و هیجان‌مدار از روی مؤلفه‌های مفهوم خداوند محاسبه گردید که نتایج آن در جداول ۲، ۳ و ۴ آمده است.
- رگرسیون ابعاد مفهوم خداوند و راهبردهای مقابله‌ای در جدول زیر آمده است.

- بین راهبرد مقابله مسأله مدار با ادراک مفهوم نیک خواهی خداوند، لایتناهی بودن او و نیز ادراک ارزشمند بودن خداوند رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت و نیز تصور خداوندی نامربوط، تنبیه‌گر، دور و غیر قابل دسترس با راهبرد مقابله مسأله مدار رابطه منفی معنادار وجود داشت.
- بین راهبرد مقابله هیجان مدار منفی (مقابله ناکارآمد) با ادراک خداوندی نامربوط و تنبیه‌گر رابطه مثبت معنی دار وجود داشت. همچنین بین راهبرد مقابله هیجان مدار منفی (مقابله ناکارآمد) با عامل لایتناهی بودن خداوند رابطه منفی معنی دار وجود داشت.

جدول ۲: نتایج رگرسیون گام به گام راهبرد مقابله‌ای مسأله‌مدار روی مفهوم خداوند

مدل	متغیر	بتا	سطح معنی‌داری	R	R ²
۱	خداوند نیک‌خواه	۰/۳۶۱	۰/۰۰۰۱	۰/۳۶۱	۰/۱۳
۲	خداوند نیک‌خواه خدای تنبیه‌گر	۰/۳۳۷ -۰/۱۷۶	۰/۰۰۰۱ ۰/۰۰۶	۰/۴۰۱	۰/۱۶

جدول ۲ حاکی از آن است که ادراک خداوند به عنوان نیک‌خواه به تنهایی توانایی پیش‌بینی ۰/۱۳ استفاده از راهبرد مقابله‌ای مسأله‌مدار در افراد را دارد. و ادراک خداوند به عنوان نیک‌خواه و تنبیه‌گر با هم‌دیگر از توانایی پیش‌بینی ۰/۱۶ استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مسأله‌مدار برخوردار است.

جدول ۳: نتایج رگرسیون گام به گام راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار مثبت روی مفهوم خداوند

مدل	متغیر	بتا	سطح معنی‌داری	R	R ²
۱	خداوند نیک‌خواه	۰/۲۰	۰/۰۰۳	۰/۲۰	۰/۰۴

جدول ۳ حاکی از آن است که ادراک خداوند به عنوان نیک‌خواه به تنهایی توانایی پیش‌بینی ۰/۰۴ استفاده از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار مثبت در افراد را دارد.

جدول ۴: نتایج رگرسیون گام به گام راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار منفی روی مفهوم خداوند

مدل	متغیر	بتا	سطح معنی‌داری	R	R ²
۱	خداوند نامربوط	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۱۹	۰/۰۳۷
۲	خداوند نامربوط خدای تنبیه‌گر	۰/۱۸۵ ۰/۱۵۲	۰/۰۰۶ ۰/۰۲۴	۰/۲۴	۰/۰۶

جدول ۴ حاکی از آن است که ادراک خداوند به عنوان نامربوط به تنهایی توانایی پیش‌بینی ۰/۰۳۷ استفاده از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار منفی در افراد را دارد و ادراک خداوند به عنوان نامربوط و تنبیه‌گر با هم‌دیگر از توانایی پیش‌بینی کننده ۰/۰۶ راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار منفی برخوردار است.

نتایج جداول ۲ و ۳ نشان‌دهنده تأیید فرضیه دوم و سوم پژوهش حاضر است.
ج- آزمون t مستقل: از آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت‌های میان دختران و پسران از لحاظ مؤلفه‌های مفهوم خداوند استفاده گردید که نتایج مربوط به آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون t مستقل

مفهوم خداوند	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	df	t	سطح معنی‌داری
خداوند نیک‌خواه	دختر	۴۶/۴۷	۴/۴۷	۲۱۹	۲/۱۸	۰/۰۳
	پسر	۴۴/۸	۴/۹			
خدای نامربوط	دختر	۵/۸	۱/۹	۲۴۱	-۱/۱۸	۰/۲۳
	پسر	۶/۲	۲/۳			
خدای لایتناهی	دختر	۲۳/۳۱	۲/۴	۲۳۸	۲/۰۲	۰/۰۴
	پسر	۲۲/۴۴	۳/۵			
خدای غضبناک	دختر	۵/۱	۱/۹	۲۴۲	۲/۴	۰/۰۱
	پسر	۴/۴	۱/۹			
خدای دست‌نیافتنی	دختر	۴/۴	۲/۰۵	۲۴۰	-۱/۱۵	۰/۲۵
	پسر	۴/۴	۲/۰۹			
خدای ارزشمند	دختر	۹/۰۲	۱/۱	۲۴۱	۱/۰۴	۰/۲۹
	پسر	۸/۸	۱/۴			

جدول ۵ بیانگر آن است که:

۱- میان دختران و پسران از نظر ادراک خداوند به عنوان نیک‌خواه تفاوت‌ها معنادار بود به عبارت دیگر دختران در مقایسه با پسران خداوند را نیک‌خواه‌تر تصور می‌نمودند ($t = 2/18, p < 0/03$)

۲- بین دختران و پسران از نظر ادراک خداوند لایتناهی تفاوت معنادار وجود داشت و دختران در مقایسه با پسران در مؤلفه خداوند لایتناهی نمره بالاتری کسب نمودند ($t = 2/02, p < 0/04$)

۳- از نظر ادراک خداوند به عنوان تنبیه‌گر نیز میان دختران و پسران تفاوت معنادار وجود داشت که دختران بیشتر از پسران خداوند را به عنوان تنبیه‌گر ادراک نموده بودند ($t = 2/4, p < 0/01$)

۴- بین دختران و پسران از نظر ادراک خداوند نامربوط، خداوند دست نیافتنی و خداوند ارزشمند تفاوت‌ها معنی دار نبود.

نتایج جدول ۵ در بررسی فرضیه چهارم پژوهشی نشان می‌دهد که در برخی از مؤلفه‌های مفهوم خداوند (نیک‌خواه، لایتناهی، تنبیه‌گر) بین دختران و پسران تفاوت معنی دار است ولی در سایر مؤلفه‌ها تفاوت معنی دار وجود ندارد.

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر فرضیه نخست مبنی بر وجود رابطه میان راهبردهای مقابله با تنیدگی و مؤلفه‌های مفهوم خداوند، را مورد تأیید قرار می‌دهد. یافته‌ها بیان‌گر رابطه مثبت بین راهبرد مقابله مسأله مدار با ادراک مفهوم نیک‌خواهی خداوند، لایتناهی بودن او و نیز ادراک ارزشمند بودن خداوند بود. هم‌چنین بین تصور خداوندی نامربوط، تنبیه‌گر، دور و غیر قابل دسترس با راهبرد مقابله مسأله مدار نیز رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت. این یافته‌ها با نتایج شافر و گورسوچ (۲۴) که معتقدند خدای دروغین، خدای بی‌فایده و خداوند غیر قابل دسترس به گونه‌ای منفی با مقابله خود راهبر^۱ (که معتقدند خودشان بیش از خداوند در حل مسائل درگیرند) و مفهوم خدای نیک‌خواه، غضبناک،

لایتناهی، هدایت‌گر، پایدار، قدرتمند و حافظ به گونه‌ای مثبت همسویی دارد.

از سوی دیگر بین راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار منفی (مقابله ناکارآمد) با ادراک خداوندی نامربوط و تنبیه‌گر رابطه مثبت و با عامل لایتناهی بودن خداوند رابطه منفی داشت که می‌توان نتایج پژوهش شافر و گورسوچ (۲۴) که بر ارتباط مثبت میان مقابله از طریق تسلیم شدن^۲ (اتخاذ یک رویکرد منفعل و نشستن به انتظار پاسخ خداوند برای حل معجزه‌آسای مشکلات) و خدای نیک‌خواه، غضبناک، لایتناهی، هدایت‌گر و حافظ و نیز رابطه منفی این نوع مقابله با عامل خداوند غیر قابل دسترس، تأکید می‌کند، را همسو با این نتایج ذکر نمود.

همچنین بین راهبرد مقابله هیجان مدار مثبت با ادراک نیک‌خواهی و ارزشمند بودن خداوند در آزمودنی‌ها رابطه مثبت وجود داشت. در این راستا بین نتایج پژوهش شافر و گورسوچ (۲۴) که معتقد به وجود ارتباط میان مقابله مبتنی بر مشارکت^۳ (مشارکت انسان با خداوند در عمل برای حل مسائل زندگی) و مفهوم خدای نیک‌خواه، غضبناک، لایتناهی، هدایت‌گر، پایدار و حافظ به گونه‌ای مثبت و نیز با مفهوم خدای دروغین، خدای بی‌فایده، خداوند غیر قابل دسترس به گونه‌ای منفی، همخوانی‌هایی مشاهده می‌شود. یافته دیگر پژوهش حاضر وجود تفاوت معنادار بین دختران و پسران از لحاظ ادراک خداوند نیک‌خواه، تنبیه‌گر و لایتناهی بود که در این مؤلفه‌ها دختران نسبت به پسران نمرات بالاتری کسب نموده بودند که این یافته با نتایج پژوهش‌هایی که دختران را مذهبی‌تر از پسران معرفی می‌کند (۲۵،۲۶) همسویی دارد.

به طور کلی نتایج این پژوهش بیان‌گر این واقعیت است که بین مؤلفه‌های مفهوم خداوند، نوع ادراکی که فرد از مفهوم خدا دارد، با میزان تنیدگی که احساس می‌کند و نوع رفتارهای مقابله‌ای وی رابطه مستقیمی وجود دارد. یعنی اگر نگاه فرد به خداوند و ادراکی که وی از مفهوم خدا دارد به جنبه‌های منفی نسبی خداوند مانند تنبیه‌گر، خداوند دست

2- Deferring

3- Collaborative

1- Self directive

نتیجه گیری

شناخت خداوند که به عنوان آغاز شکل‌گیری رویکرد مذهبی افراد مطرح می‌باشد، در واقع سرآغاز تولد معنوی فرد محسوب می‌گردد؛ که در مراحل اولیه درک مفهوم فرد از خداوند تجلی می‌یابد. نوع مفهوم خداوند از نظر فرد و انگیزه‌های مذهبی او می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار سازگاری روانشناختی در نظر گرفته شوند (۲۹) و در واقع شیوه‌ای که یک فرد مذهبی در مورد خداوند و یا در مورد رابطه با خداوند می‌اندیشد ادراک او را از دنیا شکل خواهد داد و رفتارهای فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. که این موضوع به نوبه خود بر تجربیات فرد از زندگی، سبک و شکل زندگی، چگونگی مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی و نوع راهبردهای مقابله با مسائل و مشکلات روزمره تأثیر خواهد داشت.

گرچه نتایج پژوهش نشان‌دهنده اهمیت نوع ادراک فرد از مفهوم خداوند در انتخاب شیوه‌های مقابله با تنیدگی می‌باشد ولی وجود متغیرهای واسطه‌ای دیگر در این رابطه نیز می‌تواند مدنظر قرار گیرد که می‌توان در پژوهش‌ها و مطالعات بعدی به بررسی این متغیرهای واسطه‌ای پرداخت. همچنین تعمیم پژوهش حاضر به دلیل استفاده از یک مقیاس با عوامل و صفات محدود از خداوند با توجه به شرایط فرهنگ اسلامی و نیز با توجه به این‌که این پژوهش با دانشجویان دانشگاه انجام شده است، باید با احتیاط صورت گیرد.

تشکر و قدردانی

از مشاوره‌های علمی و آماری استاد بزرگوار آقای دکتر مسعود حسین‌چاری صمیمانه قدردانی می‌شود.

نیافتنی و ... معطوف گردد این فرد هنگام مواجهه با منابع تنیدگی‌زای زندگی از فشار روانی بیش‌تری برخوردار بوده و میزان تنیدگی و اضطراب بیش‌تری را احساس می‌کند. از سوی دیگر نوع رفتار مواجهه‌ای یا مقابله‌ای که به هنگام مقابله با تنیدگی در پیش می‌گیرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد مانند انتخاب راهبردهای هیجان‌مدار منفی که عملاً نه تنها مشکلات وی را در مقابله با تنیدگی حل نمی‌کند بلکه بر میزان آن نیز می‌افزاید. از طرف دیگر فردی که در تصور از خداوند و نوع درکی که از مفهوم خداوند دارد جنبه‌های خداوند نیک‌خواه، ارزشمند و سایر ابعاد مثبت را مد نظر قرار می‌دهد، در هنگام مواجهه با عوامل تنیدگی‌زا راهبردهای مقابله‌ای مسأله‌مدار را مورد استفاده قرار می‌دهد و بدین ترتیب توانایی غلبه بر تنیدگی و حل آن را پیدا می‌کند. بنابراین ضرورت توجه به باورهای مذهبی و چگونگی نگرش فرد نسبت به خداوند بیش از پیش آشکار می‌گردد. همچنین از آن‌جا که مفهوم خداوند طی جریان پرورش و در طول دوره تحول شکل می‌گیرد و تحت تأثیر نظام آموزش و پرورش می‌باشد، چگونگی انتقال این مفاهیم به کودک و ارائه آموزش‌های صحیح مبتنی بر اصول تربیت دینی با به‌کارگیری اصول روان‌شناسی در جهت پیشبرد و اثربخش ساختن آموزش دینی، اهمیت بسزایی پیدا می‌کند زیرا شکل‌گیری باورهای مذهبی مثبت در افراد می‌تواند در استفاده مؤثر و بهینه از راهبردهای مقابله‌ای که منجر به حل مسأله شده اثر گذاشته و ضمن ارتقا سلامت روانی فرد نقش پیش‌گیرانه‌ای در بروز بیماری‌های روانی و عاطفی ایفا نماید.

References:

- 1- Lazarus R, Folkman S. Stress, appraisal, and coping. New York: springer 1984.
- 2- Abyari M. nature and structure coping concept in Iranian culture [dissertation] Tehran: tarbeiat modares univ 2000 (Persian).
- 3- Vollrath M, Trgersen S, Alnaes R. personality as long- term predictor of coping. Personality and individual differences 1995; 18: 117-125.
- 4- Mollazadehl J, Mansour M, Ejei J, Kiamanesh AR. coping styles and marital adjustment in martyr bairns. Journal of psychology 2002; 6(3): 255-277(Persian).

- 5- Pargament KI. The psychology of religion and coping. New York: Guilford press; 1997.
- 6- Spilka B, Hood Jr RW, Hunsberger B, Gorsuch R. The psychology of Religion. 3rd ed. New York: The Guilford press 2003.
- 7- Graff RW, Iadd CE. POI correlates of religious commitment inventory. Journal of clinical psychology 1971; 27: 502-504.
- 8- Ellis A. Is religion pathological? Free inquiry 1988; 18: 27-32.
- 9- Takyi KB. Religion and women's health in Ghana: Insights into HIV/AIDs preventive and protective behavior. Social Science & Medicine 2003; 56: 1221-1234.
- 10- Ball J, Armistead L, Austin BJ. The relationship between religiosity and adjustment among African-American female, urban adolescents. Journal of Adolescence 2003; 26: 431- 446.
- 11- Maselko J, Kubzansky LD. Gender differences in religious practices, spiritual experiences and health: Results from the US General Social Survey. Social Science & Medicine 2006; 62: 2848-2860.
- 12- Ellison CG. Religious involvement and subjective well-being. Journal of Health and Social Behavior 1991; 32: 80-99.
- 13- Dossey L. Prayer and medical science. Archives of Internal Medicine 2000; 160: 135-138.
- 14- Koenig HG. Religion and older man in prison. International Journal of Geriatric Psychiatry 1995; 10: 219-230.
- 15- Park C, Cohen LH, Herb L. Intrinsic religiousness and religious coping as life stress moderators for Catholics versus Protestants. Journal of personality and social psychology 1990; 59: 562-574.
- 16- Flavio FM, Kulis S, Nieri T, Parsai M. God forbid. Substance use among religious and nonreligious youth. American Journal of Orthopsychiatry 2005; 75: 585- 598.
- 17- Wills TA, Yaeger AM, Sandy JM. Buffering effect of religiosity for adolescent substance use. Psychology of Addictive Behaviors 2003; 17: 24-31.
- 18- Mayo CC, Puryear HB, Richek HG. MMPI correlates of religiousness in late adolescent college student. Journal of nervous and mental disease 1969; 149: 381-385.
- 19- Gartner J, Larson DB, Allen GD. Religious commitment and mental health: A review of the empirical literature. Journal of psychology and theology 1991; 19: 6-25.
- 20- Ferraro KF, Albrecht – Jensen CM. Does religion influence adult health? Journal for the scientific study of religion 1991; 30: 193-202.
- 21- Schafer CA, Gorsuch RL. Dimensionality of religion: belief and motivation as predictors of behavior. Journal of psychology and Christianity 1992; 11: 244-254.
- 22- Gorsuch RL. The conceptualization of God as seen in adjective ratings. Journal for the scientific study of religion 1968; 7: 56-64.
- 23- Spilka B, Armatas P, Nussbaum J. The concept of God: A factor-analytic approach. Review of religious research 1964; 6: 28-36.
- 24- Schafer CA, Gorsuch RL. Psychological adjustment and religiousness: the multivariate belief-motivation theory of religiousness. Journal for the scientific study of religion 1991; 30: 448-4610.
- 25- Nasirzadeh R. The effect of praying motives on attitude toward performing their prayers and personal and social limitation [dissertation] Shiraz: Shiraz Univ 2005. (In Persian).

- 26- Gallup GJr, Lindsay DM. Surveying the religious landscape: trends in U.S. beliefs. Harrisburg, PA: Morehouse 1999.
- 27- Hosseinchari M, Nasirzadeh R. Praying, student, motivations and limitation. Proceeding of The 2nd seminar of university student's mental helth; 2005; march3-4; Tehran, Iran tarbeiat Modares University: 113-115(Persian).
- 28- Nasirzadeh R. Reliability and validity of religious beliefs questionnaire. Proceeding of The 2nd national congress on religion and mental health; Tehran, Iran, deputy for research. Iran University of medical science 2007; 39(Persian).
- 29- Wong-Mcdonald A, Gorsuch RH. A Multivariate Theory of God concept, Religious motivation, Locus of control, Coping and Spiritual well-being. Journal of psychology and theology 2004; 32: 318-334.
- 30- Hooman HA. Statistical inference in behavioral research. Tehran: Parsa 1995.

Archive of SID

Religious beliefs and coping strategies in students

R. Nasirzadeh¹, K. Rassolzadeh Tabatabaie²

Abstract

Background and Aim: Conceptualization of God is one way in which the multivariate domain of religious beliefs has been operationalized. This study was carried out in order to evaluate the relationship between Religious beliefs and coping strategies in students of Shiraz University.

Materials and Methods: In this study, 251 college students were selected by using a stratified random sampling procedure. Carver's coping strategies questionnaire and Gorsuch's God concept scale were used for data collection. The data was analyzed using Pearson correlation coefficient and step-by- step regression.

Results: The result showed that problem-focused coping strategy was found to correlate positively with the benevolent, omni-ness, valuable God concept and negatively with the irrelevant, punishing, distinctness God concept. Benevolent god concept is capable to predict problem directed strategies nearly 12 percent itself.

Conclusion: Considering the significant role of religion in health, emphasizing on it in the field of training and treatment could be helpful in improving mental health of the society.

Key words: Religious Beliefs; God Concept; Coping Strategies; Stress

Ofogh-e-Danesh. GMUHS Journal. 2009; Vol. 15, No. 3

¹-**Corresponding Author;** Faculty Member, MA. in Clinical Psychology, Islamic Azad university, Arsanjan, Branch, Arsanjan, Iran. **Tel:** +98-729-7623908 **Fax:** +98-729-7622483 **Email:** raznasirzadeh@gmail.com.

² - Assistant Professor, Ph.D in Psychology, Department of Psychology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.